

«نوبهار» مشهدی‌ترین نشریه عصر قاجار است

حسین بیات | مجموعه «اخبار خراسان در مطبوعات» (دوره‌های قاجار، رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی تا امروز) در قالب ۵۷ جلد منتشر شده است؛ مجموعه‌ای که تلاش داشته همه اخبار و وقایع سرزمین پهناور خراسان را که در مطبوعات این دوره‌ها موجود بوده است، تدوین و منتشر کند. چنین کار بزرگی به همت سید مهدی سید قطبی، تاریخ‌پژوه و کارشناس ارشد گروه مطبوعات کتابخانه آستان قدس، صورت گرفته است. او کوشیده است از میان هزاران برگ روزنامه‌های دوره‌های مختلف، آن بخش از وقایعی را که مربوط به شهرهای خراسان، به‌ویژه مشهد است، استخراج کند تا منبعی ارزشمند و مستند برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ خراسان فراهم آورد. خودش می‌گوید: «مخاطب مجموعه اخبار خراسان در مطبوعات، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ خراسان هستند.» انتشار بیست‌ودومین جلد از اخبار خراسان دوره محمدرضاشاه پهلوی بهانه‌ای شد تا بنشینیم روبه‌روی سید مهدی سید قطبی و از چندوچون این کار پیوسته و بزرگ بپرسیم.

جناب سید قطبی، به‌طور کلی ارزش اطلاعاتی مطبوعات قدیم در چیست؟
روزنامه‌های گذشته همیشه منابعی غنی و هیجان‌انگیز برای پژوهش در احوال گذشتگان هستند. علاوه بر اینکه روزنامه‌ها روز شمار دقیق گذشته را به ما می‌دهند، منابع خوبی هم برای تحلیل افکار عمومی و به‌تدریج دیگر تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناختی هستند. گاه یک سطر درج شده در مطبوعات می‌تواند راهگشای یک نکته مبهم تاریخی باشد یا نمایانگر یک گوشه مغفول مانده در تاریخ یک سرزمین، در هر صورت، آنچه از سطرهای مطبوعات تاریخی بیرون کشیده می‌شود، از معتبرترین منابع دست‌اول برای پژوهش‌های تاریخی است.

● همین اهمیت باعث شد اندیشه تدوین چنین مجموعه‌ای شکل بگیرد؟
من از سال ۱۳۸۷ نیز به‌طور پیوسته مشغول مطالعه و بررسی تاریخ مطبوعات، تاریخ آستان قدس، سفرنامه‌های پژوهشی و مطبوعات در حوزه خراسان و تاریخ مشهد هستم که خروجی آن‌ها در قالب ۲۷ عنوان کتاب مختلف منتشر شده است. در این بین من متوجه شدم که با وجود تلاش‌های بسیار محققان حوزه تاریخ خراسان و نگارش مقاله‌ها و کتاب‌های مختلف، هنوز درباره بسیاری از موضوع‌های مختلف این حوزه دانشی، منبعی وجود ندارد. جالب اینکه اجزای این منبع در دل مطبوعات دوره قاجار نهفته بود و می‌شد به آن‌ها استناد کرد. شروع کردم به استخراج اخبار خراسانی مندرج در مطبوعات. درست است که عمده مطالب موجود در نشریات قاجار و تلگراف‌ها و مکتوبات افراد سرشناس و موق و خبرنگاران روزنامه‌هاست که از طریق پست برای نشریه ارسال می‌شده‌اند و روزنامه‌ها هم پس از بررسی و اطمینان از صحت نوشته به چاپ آن اقدام می‌کرده‌اند. اما با وجود این هم تاریخ مشهد و خراسان به‌وضوح در میان آن‌ها دیده می‌شود.

● به نظر می‌رسد سخت‌ترین بخش کار تدوین اخبار مربوط به همین دوره قاجار باشد؛ زیرا مطبوعات این دوره هیچ شباهتی به روزنامه‌هایی که ما می‌شناسیم، ندارند. عمده نشریه‌های قاجار چاپ سنگی هستند؛ برای همین خواندن و بازنویسی اخبار بسیار مشکل و در برخی مواقع حتی ناممکن است. برای مثال «روزنامه دولت علیه ایران» از لحاظ پیچ‌ونمایش‌های خط نستعلیق و ذوق‌زدگی خطاط نیز به زمان زیادی دارد تا خوانده شود. گاهی ساعت‌ها صرف می‌شد تا فقط یک کلمه خوانده شود. دیگر اینکه محتوای مطبوعات این دوره از لحاظ شیوه نگارش یا مطبوعات کنونی کاملاً متفاوت است. هیچ‌گونه علائم سجاوندی و نگارشی در محتوای این نشریات وجود ندارد و عمده مطالب از لحاظ کمی صفحه‌های روزنامه و انبوه اخبار کشور، کوتاه‌شده و تلگرافی است. برای روان شدن اخبار این مطبوعات ابتدا باید بندهای متن را مشخص و بعد با به‌کارگیری نشانه‌های نگارشی، حدم‌وزن آن‌ها را تعیین کرد که سختی‌های خودش را دارد.

● نگاه مطبوعات قدیم به مشهد و اخبارش از لحاظ کمیت و کیفیت چگونه بوده؟ چه چیزهایی برایشان مهم بوده‌است؟
برای جواب به این پرسش اول باید نشریات دوره قاجار دارای اخبار خراسانی را به «چاپ مشهد» و «چاپ غیرمشهد» (داخل کشور و خارج آن) تقسیم کنیم. اخبار مشهدی موجود در مطبوعات قدیمی چاپ خارج مشهد اکثراً سطحی، کلی و کوتاه است؛ به عبارت دیگر روزنامه‌های قدیمی چاپ غیرمشهد چون در این شهر خبرنگار نداشته‌اند، نتوانسته‌اند به خوبی رویدادهای این شهر را پوشش بدهند و بیشتر اخبارشان درباره بلدیة، آستان‌قدس، رؤسا و افراد دولتی و نظامی است که از طریق مدیران دستگاه‌های اجرایی کشور برای آن‌ها ارسال می‌شده است. در این نشریات کمتر درباره توده مردم مشهد و مشکلات آن مطلب یا خبری یافت می‌شود.

● الان نشریه‌ای مثل شهرآرا به‌طور ویژه به شهر مشهد می‌پردازد. از میان مطبوعات که در این مجموعه‌ها اخبارشان آمده است، نشریه‌ای هست که بشود گفت «شهرآرای قدیم مشهد» است؟
در میان چهل نشریه قاجاری چاپ مشهد، نه تنها هیچ‌یک «روزنامه مشهد» نام‌گذاری نشده‌اند، بلکه هیچ‌یک نیز به‌طور ویژه به مشهد نپرداخته‌اند. علت اصلی این است که اکثر صاحبان امتیاز و سردبیران این نشریات خراسانی نیستند؛ بیشترشان مهاجرانی هستند که بنا به دلایل خانوادگی و تجاری به مشهد آمده و به روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند و چون مشهد در این دوره خبرنگار و روزنامه‌نگار به معنی امروزی ندارد، خود همان صاحب‌امتیاز یا سردبیر با توجه به روزنامه‌هایی که از داخل و خارج کشور به دستش می‌رسیده، کل متن هر شماره را می‌نوشته و منتشر می‌کرده است. همین مسئله باعث شده است با هر شماره نشریات قاجاری چاپ مشهد، اخبار مشهدی است. هیچ‌یک را نتوان شهرآرای قدیم مشهد قلمداد کرد.

● چقدر طول کشید تا این تلاش به خروجی و اصطلاحاً به دست پژوهشگران برسد؟
حدود ۱۰ سال به مطالعه و پژوهش میان انبوه



صفحه اول روزنامه نوبهار، شماره ۲۱، ۷۴ آذر ۱۲۹۶ خورشیدی، تصویر از وبگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

● بدون شک این مجموعه گرهای زیادی را از تاریخ دوره قاجار و عصر معاصر مشهد و خراسان باز کرده است. چند مورد خاص از این گرهارها در ذهن دارید که یادآوری کنید؟
می‌دانم که تاکنون ده‌ها کتاب و پایان‌نامه و صداها مقاله براساس اطلاعات «اخبار خراسان» نوشته شده است و محققان زیادی در پژوهش‌های خود از این منبع استفاده می‌کنند اما برخی مسائل و اتفاقات هم هستند که جزئیات آن‌ها فقط و فقط در مطبوعات آمده است. از جمله این موضوعات واقعه تشییع جنازه کلل محمدتقی پسیان است که در روزنامه بهار با جزئیات ذکر شده است. جزئیات این مراسم در هیچ کتاب یا سند تاریخی دیگری نیست. موضوع دیگر واقعه عاشورای ثانی یا همان گلوله‌باران گنبد مطهر در سال ۱۳۳۰ قمری توسط روس‌هاست که اگرچه در خاطرات برخی افراد به آن اشاره شده است، جزئیات دقیقی ندارد. ایران در این دوره حققان شدیدی را تجربه می‌کند؛ برای همین هیچ روزنامه‌ای منتشر نمی‌شود اما جزئیات واقعه را می‌توان در روزنامه «حبل‌المتین» چاپ کلکته مشاهده کرد. موضوع دیگر نخستین گلوله‌زنی به حرم مطهر رضوی است که در صفر ۱۳۲۴ قمری، یعنی شش سال قبل از گلوله‌باران گنبد مطهر، اتفاق افتاده است. خیلی‌ها از این واقعه خبر ندارند اما در اخبار حبل‌المتین و چند روزنامه دیگر می‌توان جزئیات موضوع را خواند. اخبار و مطالبی که روزنامه آزادی منتشر کرده است در روشن‌سازی تاریخ ادبیات مشهد خیلی مؤثر است. این روزنامه نخستین شعر مهدی‌اخوان ثالث را در ۲۹ آذر ۱۳۲۶ منتشر کرده است. داستان سرود و چاپ این شعر مربوط به فوت منوچهر مهران است

● بهترین وجه تشریح و اطلاع‌رسانی کرده‌اند. بهار یکی از افراد پیشرو و جریان‌ساز در این زمینه است. او با توجه به مقتضیات زمان و صلاح کشور، در روزنامه نوبهار به هدایت افکار عمومی مشهد می‌پردازد. به جرئت می‌توان گفت مهم‌ترین خبرها و سرمقاله‌های مطبوعاتی درباره مشهد، ابتدا در روزنامه نوبهار آمده و این نشریه بوده که سایر نشریه‌های بعدی شهر را رهبری کرده است.

● الان نشریه‌ای مثل شهرآرا به‌طور ویژه به شهر مشهد می‌پردازد. از میان مطبوعات که در این مجموعه‌ها اخبارشان آمده است، نشریه‌ای هست که بشود گفت «شهرآرای قدیم مشهد» است؟
در میان چهل نشریه قاجاری چاپ مشهد، نه تنها هیچ‌یک «روزنامه مشهد» نام‌گذاری نشده‌اند، بلکه هیچ‌یک نیز به‌طور ویژه به مشهد نپرداخته‌اند. علت اصلی این است که اکثر صاحبان امتیاز و سردبیران این نشریات خراسانی نیستند؛ بیشترشان مهاجرانی هستند که بنا به دلایل خانوادگی و تجاری به مشهد آمده و به روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند و چون مشهد در این دوره خبرنگار و روزنامه‌نگار به معنی امروزی ندارد، خود همان صاحب‌امتیاز یا سردبیر با توجه به روزنامه‌هایی که از داخل و خارج کشور به دستش می‌رسیده، کل متن هر شماره را می‌نوشته و منتشر می‌کرده است. همین مسئله باعث شده است با هر شماره نشریات قاجاری چاپ مشهد، اخبار مشهدی است. هیچ‌یک را نتوان شهرآرای قدیم مشهد قلمداد کرد.

که در زمان خودش از نام‌آوران ورزش خراسان و ایران بوده و اقامه‌ی هم‌دانش‌آموز کلاس پنجم دبیرستان شاهرضا بوده است. جالب است که بعد از چاپ کتاب ارغنون هم در ۱۴ آذر ۱۳۳۰ یک نقد برای کتاب نوشته و ذکر شده است: «آقای مهدی امید که دو سال بیشتر نیست ستاره افکارش در آفاق سرزمین فردوسی و بهار شروع به میدمن و درخشیدن نهاده است. در شعر دارای سبک خاصی است که می‌توان گفت اگر بخته‌تر بشود، مکتب خاصی خواهد شد که در آینه پیروان و شاگردانی خواهد داشت.»

همین روزنامه به قلم خود گلشن آزادی نقدی هم برای کتاب «دو قرن سکوت» عبدالحسین زرین‌کوب در ۲۰ مهر سال ۱۳۳۲ هم‌زمان با انتشار اثر دارد و نوشته است: «آقای زرین‌کوب از نویسندگان جوان و دانشمند ماست که وفور دانش و ذوق و فریحه فائق وی در نویسندگی، وطن ما را به داشتن محقق و نویسنده بزرگی نوید می‌دهد که بتواند با خامه توانای خویش یادگارهای بسیار ذی‌قیمتی برای نسل حاضر و اخلاف به جاگذارد.»

سوی چنین مواردی در تدوین این مجموعه حتی متن آگهی‌هایی را نیز که مربوط به مشهد بوده است، آورده‌ایم؛ از این جهت می‌توان اطلاعات منحصره‌فردی راجع به مشهد در آن یافت.

● چنین نگاهی باعث می‌شود که مجموعه «اخبار خراسان» خیلی بزرگ شود.

برآورد نهایی مجموعه کتاب‌های اخبار خراسان در سه دوره قاجار، رضاشاه و محمدرضاشاه، ۱۲۰ جلد هفتصدصفحه‌ای است. دی‌ماه گذشته جلد ۲۲ دوره محمدرضاشاه پهلوی چاپ شد که در واقع جلد ۵۷ اخبار خراسان است. ۶۳ جلد باقی‌مانده هم به تدریج چاپ و منتشر می‌شود. پیش‌بینی من این است که تا سال ۱۴۰۸ کل مجموعه با استناد به نسخه‌های فعلی و در دسترس مطبوعات قدیمی منتشر شود.

● حجم اطلاعاتی این کار خیلی بزرگ‌تر از حجم فیزیکی و تعداد صفحات آن است، اما اگر فقط به اندازه فیزیکی آنچه تاکنون منتشر شده است نگاه کنیم، متوجه عظمت و اهمیت این کار می‌شویم. آیا کسی از شما و این کار حمایت کرده است؟
مجموعه کتاب‌های «اخبار خراسان» مفصل‌ترین و مهم‌ترین منبع اطلاعاتی تاریخی درباره خطه خراسان است که در کشور منحصره‌فرد است اما باید بگویم که متأسفانه تاکنون مورد حمایت هیچ گروه و سازمانی قرار نگرفته و هیچ تبلیغاتی نداشته است.

این مجموعه یک مجموعه مرجع است و باید دسترسی به اطلاعات آن تسهیل شود. خیلی‌ها امکان خرید این مجموعه را به صورت فیزیکی ندارند. باید حمایتی صورت بگیرد تا بشود به صورت الکترونیک همه جلد‌های آن را ارائه کرد. در شروع کار ۱۰ جلد ابتدایی در نرم‌افزار کتابراه انتشار یافت. اما چون برای ناشر صرفه اقتصادی نداشت، ادامه نیافت. نسخه الکترونیک با توجه به امکان جست‌وجویی که دارد به تحقیقات پژوهشگران سرعت و دقت زیادی می‌بخشد اما لازمه‌اش حمایت یک گروه یا سازمان است که از کار حمایت و پشتیبانی کند.

● اکنون نمایه کتاب‌ها کامل و جامع نیست که به استناد آن بشود همه مطالب مربوط به یک موضوع را جست‌وجو کرد، اگرچه با انتشار یک جلد نمایه مجزا سعی شد جست‌وجوی بهتری را برای دوره قاجار مهیا کرد. این کار برای دوره‌های بعدی نفعند؟

برای انتشار هر جلد مجموعه به ترتیب مراحل گزینش، محتوا، بازخوانی، تنظیم، ویرایش، صفحه‌آرایی، نمایه‌سازی و مجوز چاپ و نشر جداگانه انجام می‌شود. حجم انبوه مطالب گردآوری شده که جزئیات آن پیش از این آمد و تقاضای شدید و مکرر پژوهشگران و علاقه‌مندان برای دستیابی به بقیه مجموعه اخبار خراسان، ما را به نوعی به انتشار مداوم و سریع جلد‌های بعدی مجبور کرد. برای همین ضعف نمایه دوره پهلوی بناست با پایان یافتن انتشار کتاب در قالب «نمایه درهم‌گرد تمام جلد‌ها» این مشکل مرتفع شود.

